

نوازی موسیقی علمی انجام داد. بنابراین ویوتی بحق در تاریخ موسیقی جایگاهی بنس مهم یافته است. درخشش و استعداد فوق العاده او در زمان حیاتش باعث فراگیر شدن آوازه اش به عنوان برجسته ترین نوازنده ویلون شده بود. جوانی باتیستا ویوتی در ۲۳ مارس ۱۷۵۳ در دهکده کوچک و کوهپایه ای فونتانو^۲ چشم به جهان گشود. پدرش آهنگر بود و گهگاه به علت علاقه اش به موسیقی فرنچ هورن^۳ می نواخت. ویوتی از پدر علاقه مندش و از یک موسیقیدان دوره گرد به نام جوانینی^۴ اصول اولیه و ابتدائی موسیقی را فرا گرفت و در همین دوران کودکی استعداد فوق العاده خود را نمایان ساخت و با حدت و شدت به کار پرداخت. او با آنکه سرمشقه های پر اهمیتی نداشت، همچون موسیقیدانان خیره به تمرین مشغول شد. در هشت سالگی با ویلون کوچک و کهنه ای که از یک محل سوخته پیدا کرده بود، نوازدگی می کرد. در سیزده سالگی نبوغ او توجه اسقف را جلب کرد و مقدمات سفرش به تورین^۵ فراهم شد. در آنجا نزد پونینی^۶ تعلیم دید. گائتانو پونینی^۶ ویلونست بزرگ زادگاه رنسانس، و سازنده مشهور سونتهای ویلون و اپراهای بی شمار، ویوتی جوان را به پیشرفت سریع و غیر قابل باوری رساند. او که از قدرت نوازدگی ویوتی شادمان به نظر می رسید، تصمیم گرفت از وجود او برای اجرای یکی از نقشهای ویلون در «توری» که به سال ۱۷۸۰ تشکیل می شد استفاده کند. این مسافرت با استاد پونینی باعث شد که او در سرتاسر اروپا مشهور شود. نوازدگی در ژنو، برن، درسدن، برلین، ورشو، سن پترزبورگ، لندن، و پاریس او را برانگیخت که باز هم یاد بگیرد و هر چه بیشتر بنوازد. پونینی از شاگردان زومیس^۷ بود. که او خود شاگرد آرکانجلو کورلی^۸ به شمار می رفت. ویوتی با ورود به این مکتب موسیقی همچون تاوتینی^۹ به موج عظیم سنتهای ژرف ایتالیایی پیوست که بعدها در آموزش و نتیجه کارش نقش مهمی داشت. ملاقات تاریخی پونینی و ویوتی تقریباً غیرارادی و تا حدودی تصادفی بود. ویوتی بعد از این پیشامد بیشترین تأثیر را در انتقال برتری ویلون از قلمرو حاکمیت باستانی ایتالیا به فرانسه و آلمان باقی نهاد. او در



تکنیک نویسان ویلون

فریبا کاشانی کبیر ، بهمن مه آبادی

جوانی باتیستا ویوتی^۱ آهنگساز و نوازنده ویلون و یکی از رهبران این ساز در جهان، در پیوند دادن میراث عظیم و گنجینه بزرگ موسیقی کلاسیک قدیم زادگاهش ایتالیا به مکتب مدرن موسیقی بعد از خود نقشی یگانه داشت و هم او بود که بالاترین خدمات را به رشته ویلون



یوهان پیتر سالومون

عین حال این انتقال را با نبوغ خود آغشت، تا آنجا که سهم ویوتی در موسیقی مدرن قدیم و ویلون سهمی بزرگ و کلیدی به حساب می آید. او نبوغ خود را هم در تکنیک و هم در نواختن ویلون نشان داد و با آثاری که تصنیف کرد تکنیک و قدرت خود را به اثبات رساند. کنسرتوهای او با تکنیکهای جدید و ایده‌های جدیدتر که تا زمان ما دوام آورده است و امروزه نیز جزو مشکل‌ترین آثار برای ویلون محسوب می‌شوند، نشانه‌ای بود از مایه گرفتن او از میراث عظیم پونیانی که خود نیز پرورش

یافته مکتب مردانی چون کورلی، تارتینی و زومیس بود. ویوتی سالها از استاد تعلیم گرفت. او خود را در اختیار دانسته‌ها و پیشنهادهای علمی و فنی و عملی استاد پونیانی قرار داد. پخته و کامل شد و مهارت و دانایی اش را در طی سفرهای متعدد به شهرهای مختلف اروپا در عرض دو سال به نمایش گذاشت. دیگر وقت آن رسیده بود که به تنهایی بخت خود را بیازماید. تصمیم گرفت از استاد پونیانی جدا شود و به پاریس برود. او از ۱۷۸۲ تا ۱۷۹۲ در پاریس اقامت داشت. ده سال تمام به تنهایی برای اهدافش جنگید و یک تنه طعم افتخار و لذت را چشید. وی ابتدا در یکی از کنسرتوهای مذهبی در ۱۷۸۲ ظاهر شد و با اجرای مایخولیایی اش، تأثیر عمیق و ژرفی باقی گذاشت. می‌گویند نوازندگی او آدمی را به ناگاه به یاد وحی و الهامی می‌انداخت که گویی از سرزمین خدایان صادر می‌شد و به راستی او پیام آوری بود که از هنر جدید بشارت می‌داد. اجرای کنسرتوهای مذهبی به او مقبولیت عام داد. و ویوتی با بهره‌گیری از این مقبولیت کاملتر شده و به درجه‌ای از پختگی و مهارت رسید که هرگز هیچ هنرمندی بدان دست نیافته بود. صدای ویلوفش به مرتبه‌ای از خلوص و صافی و روشنی رسید و بدان حد زیبا، ظریف و فریبنده جلوه کرد که انسان را در مقابل کوهی از نور و درخشش قرار می‌داد. به گاه نواختن گویی الماسهای پر تلالؤ به شنوندگانش می‌بارید. او اینگونه راه به جاودانگی می‌برد. دو سال از زندگی پر بارش با شادمانی و پیروزی که گذشت، بلهوسی عوام-الناس، افکار تیره مردمان سیاه دل، آنانکه چشم دیدن پیشرفت و شادی را ندارند، او را بر سر دوراهی قرار داد. ویوتی می‌بایست یکی از این دوراه برگزیند: یا به پائین سقوط کند یا حاکمیت بی سوادان، کم سوادان و قدرت طلبان را بپذیرد، یا تشخص خود را در نوازندگی ویلون حفظ کند. او موسیقی را برگزید و تسلیم موسیقی ندانهای به ظاهر دانا و عوام پسند نشد. اما شرایط چنان او را دچار فقر و تنگدستی و فرسودگی کرد که تصمیم گرفت دیگر برای عموم نوازد. از عوام متفرد شد و راه و رسم منز خود را پی گرفت. اقامت در پاریس باعث شد تا به خدمت ملکه ماری آنتوانت در بیاید.

Violin.

The page contains ten staves of musical notation for a violin part. The notation includes various rhythmic values, accidentals, and dynamic markings. Performance instructions such as *rit.*, *pp*, *cresc.*, *dim.*, *f*, *string.*, *Allegro.*, *lento*, *Andante*, *Presto*, and *a tempo* are interspersed throughout the score. A section labeled *Cadanza* is marked with *Tutti.* and *f*. Roman numerals III, IV, and V are placed above certain measures. The score concludes with a *rit.* marking and a final *a tempo* instruction.

Adagio.
Tutti.

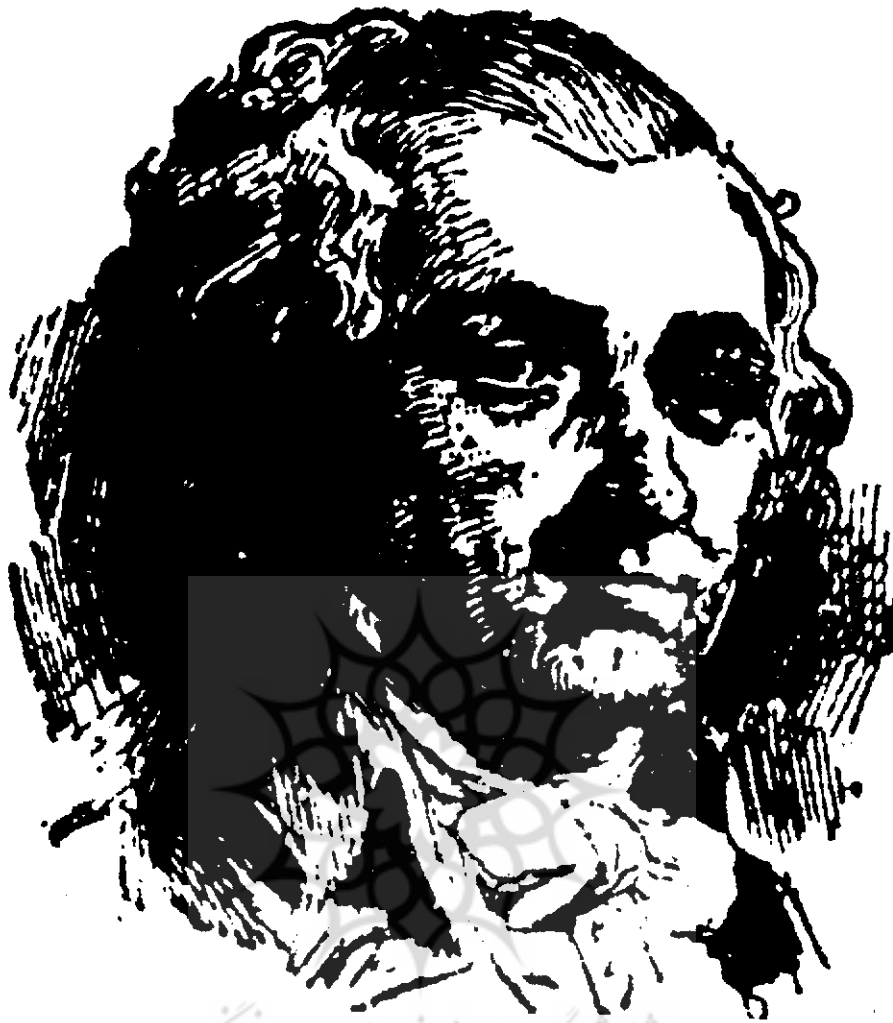
Violin.

p *Solo.* *dulce* *III.* *IV.* *II.* *V.* *II.* *III.* *M* *p* *ff* *Tutti.* *ff* *Cadenza* *Solo.* *lento* *IV.* *III.* *COR SORDO* *p*

ویوتی از این همراهی بهره می‌گرفت و با جلب حمایت ملکه، خواسته‌های خود را در دنیای هنر و اندیشه به کرسی می‌نشانند. بدین ترتیب به کنسرت‌های خصوصی گرایش یافت. در محافل اشراف حامی موسیقی، با نواختن و رهبری، با خلق آثار و با حضور مداوم خویش، خود را از تنهایی رهاوند. در سال ۱۷۸۸ بعد از بحث‌هایی ناموفق، بار دیگر کوشش‌هایی را برای راه اندازی اصولی اپرا آغاز کرد. در این زمان یکی از اعضای هیئت مدیره اپرا بود. ویوتی به اتفاق لئونارد^{۱۰} آرایشگر ملکه، کسی که توانسته بود یک جواز برای تاسیس اپرای ایتالیایی بدست آورد، تأثیر موزیورا دایر کرد. اتحاد لئونارد و ویوتی پر ثمر بود. همه امور بدرستی پیش می‌رفت که طوفان انقلاب در فرانسه بار دیگر کارها را متوقف کرد. و بدینگونه تئاتری که ویوتی می‌خواست پا نگرفت. لئونارد دستگیر و به اتهام ارتباط با دربار محاکمه و به وضع رقت‌آوری اعدام شد. ویوتی سراسیمه و در حالیکه همه چیزش را از دست داده بود، به لندن گریخت و درخواست پناهندگی کرد. در همین زمان یعنی سال ۱۷۹۲ سیاستها در مورد اپرای ایتالیایی در پاریس تغییر کرد. انگلستان وطن دوم ویوتی او را در آغوش خود پذیرفت و او کار بی‌وقفه خود را شروع کرد و از همان ابتدا به عنوان ویرتوئز^{۱۱} به صحنه رفت. در کنسرت‌های میدان هانوور^{۱۲} زیر نظر یوهان پیتر سالومون^{۱۳} با سری جدید کنسرت‌های تازه خود ظاهر شد. ویوتی این کنسرت‌ها را به همین مناسبت تصنیف کرده بود. محبوبیت و درخشش او در لندن بغض و حسد عده‌ای را برانگیخت. یک وکیل انگلیسی در یک سخنرانی مهم، به بدگمانی و سوءظن نسبت به او دامن زد. او ویوتی را عامل فرانسه انقلابی در لندن قلمداد کرد و سال‌های اقامت او را سال‌های توطئه علیه انگلستان خواند. این شایعات گسترش یافت. محافل بهت زده شدند و سکوت پیشه کردند. ویوتی در این سکوت پر زمزمه به انتظار آرامش لحظه شماری می‌کرد. بالاخره در سال ۱۷۹۸ به اتهام توطئه علیه پادشاه تبعید شد و به ناچار به هامبورگ رفت. در هامبورگ خبر مرگ استادش یونانی را شنید.

ضربه این خبر او را در هم شکست. یونانی ۶۷

ساله در سال ۱۷۹۸ از دنیا رفت و ویوتی را سوگوار کرد. ویوتی در هامبورگ همچون بازنشستگان در گوشه عزلت و باسکوت ممتد روزگار می‌گذراند. اغلب غمگین بود. سه سالی را در چنین اوضاع و احوال سپری کرد. در این مدت تصنیف‌های بزرگی دست زد و در میان غم و اندوه بی در پی شاهکارهای خود را نوشت. ۲۹ کنسرتو برای ویلون که از حیث ایده‌های موسیقی و فرم آهنگسازی نمونه‌ای برای کارهای بعدی همه آهنگسازان شد. غیر از این ۲۹ کنسرتو قطعات و کارهای دیگری خلق کرد که در برنامه‌های ویلون‌نواستیهای امروز به عنوان اتود^{۱۴} و کاپریس^{۱۵} به چشم می‌خورد. کنسرتو ویلون شماره ۲۲ یکی از مشهورترین کنسرتوها و پژوهشی نو در تکنیک و نوازندگی و نحوه پرداخت ایده‌های موسیقایی است. این کنسرتو بیشتر از دیگر آثار ویوتی اجرا شده است. کنسرتو ویلون شماره ۲۲ در لاینور از سه قسمت تشکیل شده است. او با بهره‌گیری از تکنیک متعالی، با سود بردن از گروپتو^{۱۶} و تریل^{۱۷} حالت ایتالیایی اثر را ایفاء می‌کند. دابل گردهای کنسرتو شماره ۲۲ نشان دهنده میزان فهم ویوتی از تکنیک و صدا دهی ساز ویلون است. در قسمت دوم این کنسرتو در حالیکه ارکستر دقیقاً نقش همراهی کنندگی خود را حفظ می‌کند، ویلون به شاعری می‌ماند که فی البداهه می‌سراید. نغمه‌هایی در پی زیبا و دل انگیز قسمت دوم کنسرتو شماره ۲۲ را از شکوهی بی‌پایان مملو کرده است. این رؤیاهای به گونه کلاسیک و موتیف‌های بی‌نهایت زیبا به قسمت سوم منتهی می‌شود. آجی تاتو آسای که عصبی، پیش رونده و پر جست و خیز است، کنسرتو را با سرعت به پایان می‌برد. همه دانسته‌ها و امکانات آهنگساز در اینجا به کار گرفته شده‌اند. میراث عظیم کلاسیسم و گنجینه کنسرتو سازی ایتالیایی، یکجا در جوش و خروش ویلون و ارکستر گرد آمده‌اند. ویوتی خود نیز کنسرتو شماره ۲۲ را بیش از بقیه آثارش می‌نواخت. او در این اثر حساسیتی به خرج داده که آنرا مشکلتر و جذابتر از دیگر آثارش کرده است. ساخته‌های ویوتی باعث پیشرفتهایی شد که در کار موسیقیدان هم زمانش مونتسارت^{۱۸} نیز به چشم



جووانی باتیستا ویوتی

از نظر ایده‌های موسیقایی و چه از دیدگاه نوازندگی به کمال و پختگی می‌رساند. او خود را یکپارچه وقف موسیقی کرد تا برای ابد در صدا که جاودانه است، باقی بماند. او در تنهایی به آفرینش ادامه داد. دیگر پیر شده بود. بنا به درخواست پادشاه، به انگلیس، وطن دومش، مراجعت کرد و فعالیت‌های خود را از سر گرفت. در سال ۱۷۹۴ خواسته یا ناخواسته خود را در بازار آشفته اپرای ایتالیایی درگیر می‌کند، اما سودی ندارد. حضور او در اپرای ایتالیایی، به کشتی شکسته این اپرا

می‌خورد. آنچه امروزه در دسترس ماست و به صورت پیشرفته‌ترین طرحها برای کنسرتو و سونات^{۲۰} در آمده است، تا حد زیادی مدیون کارهای استادان پیشین و از جمله ویوتی است. ویوتی در توسعه و تکامل کنسرتو و سونات و ساخت استادانه سازهای همراه چنان نبوغ و تدبیری بکار برده که آثارش هم اینک نیز جزو ماندگارترین شاهکارهای جهان است. احتمالاً خودش هم می‌دانست که فرمهای سلوِستی را در سازهای مختلف و از آن جمله ویلون چه از لحاظ تکنیکی، چه



می‌کند. همانقدر که در موسیقی موفق است، در تجارت شکست می‌خورد. با این همه این دوره از زندگی اش، از شاهکارهای جاودانی سرشار می‌شود. مدام خلق می‌کند. آخرین و بهترین کنسرتوهای خود را می‌نویسد. اما هنوز سرنوشت بازیهای بسیار با او دارد. تصمیم می‌گیرد به پاریس برگردد. به پاریس می‌رود. همه جا بوی انقلاب می‌دهد. خیابانها و معابر از فضای انقلاب سرشار است. دوستانش را می‌بیند و به دیدار مکانهای پر خاطره می‌رود. به ترغیب یکی از رفقایش بر آن می‌شود که در حضور عموم بعضی از کنسرتوهای قدیمی اش را بنوازد. در سال ۱۸۱۲ در پاریس کنسرت می‌دهد. همه می‌آیند تا این ویرتوئز بزرگ را بشنوند. کنسرت ۱۸۱۲ بار دیگر نام او را بر سر زبانها می‌اندازد. سالهایی چند می‌گذرد. در ۱۸۱۸ بنا به تقاضای لویی هجدهم و با حمایت او ویوتی مدیریت ابرای ایتالیایی را به عهده می‌گیرد.

جلایی تازه می‌دهد، اما بی نتیجه است. در این هنگام به دعوت یوهان پیتر سالومون، ژوزف هایدن^{۲۱} (۱۷۹۴/۵) از لندن دیدن می‌کند. ویوتی کنسرتوهای متعددی بر پامی‌کند که در بعضی از آنها به عنوان رهبر و در برخی به عنوان سلوئیست حضور دارد. تصمیم می‌گیرد کنسرتوهای عام المنفعه اجرا کند. خودش رهبری این کنسرتوها را به عهده می‌گیرد. اما ابرای ایتالیایی او را گرفتار امور مالی و کشمکشهای سیاسی می‌کند. مسائل پیچیده مالی او را فرسوده می‌کند. بار دیگر بر آن می‌شود که از اجتماع دوری کند، و دست از موسیقی حرفه‌ای بکشد. دودل و نگران می‌شود و مدام می‌اندیشد. عاقبت تصمیم خود را می‌گیرد. خط مشی زندگی و حرفه اش را به طور کامل یکسره تغییر می‌دهد و دست‌پیکار تجارت می‌شود. مدتی می‌گذرد. عشق عمیقش به موسیقی او را در تجارت باز می‌دارد. به آهنگسازی روی می‌آورد. آثاری جاودانی خلق

اپرای زوال یافته، که غرق در سکوت و سکون است با اقدامات ویوتی به تحرك می افتد. جوانی باتیستا تمام همت خود را به خرج می دهد تا اپرای ایتالیایی را به بلندترین مرتبه ترقی و کمال برساند، اما قتل دوک دوباری^{۲۲} در سال ۱۸۲۰ باعث تعطیل این تأثیر می شود. ویوتی ناکام می ماند و با آرزوی بر باد رفته شکست را می پذیرد و در بازسازی و راه اندازی مجدد اپرای ایتالیایی ناموفق می ماند. تصمیم به استعفا می گیرد و در ۱۸۲۲ رسماً کناره گیری می کند و برای همیشه پاریس را ترك می گوید. به لندن می رود. پیر و خسته است. تصمیم دارد آثارش را گرد بیاورد و مرور کند. شاهکارهایی که نامش را برای ابد جاودانه خواهند کرد، برای آخرین بار از زیر نگاهش می گذرند و به ابدیت پیوند می خورند. دو سمفونی کنسرتانت^{۲۳} برای دو ویلون، ۲۱ کورانت زهی و ۲۱ تریو برای سازهای زهی با ۵۱ دوئت برای دو ویلون (که هنوز هم بسیار برجسته می نمایند و اهمیت آموزشی انکار ناپذیری دارند) از جمله این آثارند. ۱۸ سونات برای ویلون و باس و یک سونات برای ویلون و پیانو و قطعاتی برای آواز، شاهکارهای دیگر او هستند. ویوتی از نفوذ و تأثیر معاصرانش دور نبود. آرکانجلو کورلی، جوزپه تارتینی، و اشپور^{۲۴} در کار او نفوذ و تأثیر داشتند. ویوتی خود نیز در آیندگانش تأثیر می گذارد. شاگردانی با قدرت و افتخار آفرین تربیت می کند. پیر^{۲۵} و بایلو^{۲۶} ویلونیهایی برجسته، از جمله شاگردان او هستند که با آثار خود جهانی را به تسخیر در می آورند. آنها آموخته ها و نبوغ شخصی خود را همچون ویوتی به نسل بعد از خود انتقال می دهند و از گنجینه دانسته های استاد پیر بهره می برند و همچنانکه استاد انتظار دارد بیش از پیش جلو می روند تا رسالت خود را به انجام رسانند. ویوتی در این زمان سخت معتقد می شود که در زندگی اش کار مهمی نکرده است با این همه ۱۰ کنسرتو برای پیانو و ارکستر آثاری هستند که در پرونده زندگی او ثبت می شود. سال ۱۸۲۳ فرا می رسد. ویوتی ناتوان و خسته، در پی آرامش است. در سوم مارس ۱۸۲۴، در حالیکه شدیداً تنگدست، تنها و بی نواست، جان به جان آفرین تسلیم می کند و برای

همیشه خاموشی می گیرد. مرگ ویوتی، پایان راه و سبک و تکنیک او نبود. زیرا نامش ابدیت گرفته و آثارش رنگ جاودانگی یافته است.

حاشیه:

1. Giovanni Battista Viotti.
2. Fontanello. 3. Ferenc Horne.
4. Giovanni. 5. Turin.
6. Gaetano Pugnani.
- گاتانو پونانی (۱۷۹۸ - ۱۷۳۱) ویلونست ایتالیایی و آهنگساز. اثر معروفش پرلود و آلگرو است. این اثر توسط کرایسلر Kreislر تنظیم شده و عده ای به اشتباه آنرا جزء کارهای کرایسلر می دانند.
7. Giovanni Battista Somis.
- جوانی باتیستا سومیس (۱۶۸۶ - ۱۷۶۳) از شاگردان کورلی و ویوالدی مصنف کنسرتو و سونات برای ویلون و معلم گاتانو پونانی
8. Arcangelo Corelli.
- آرکانجلو کورلی (۱۶۵۳ - ۱۷۱۳) ویلونست ایتالیایی و آهنگساز ویلون. در خدمت کاردینال روم بود. او پیش از هر کس دیگری در طرح و ساخت فرم کنسرتو گروسو (Concerto Grosso) کوشید. از کارهای معروف او سوناتهای ویلون و قطعه لافولیا (La Folia) است.
9. Tartini.
- جوزپه تارتینی (۱۶۹۲ - ۱۷۷۰) ویلونست ایتالیایی و آهنگساز مؤسس مکتبی در نوازندگی ویلون. سفرهای بسیار کرد. سه سال در پراگ مشغول کار شد. طرح آرشه ویلون را اصلاح کرد و نظریه مشهورش را در باره آرشه کشی به رشته تحریر در آورد. تارتینی در نامه مشهورش به خانم لومباردینی (Lombardini) که به تاریخ پنجم مارس ۱۷۶۰ از پادوا نوشته است تعلیمات دقیقی را در مورد آرشه کشی مطرح می کند. همچنین رساله های در موسیقی نوشته است. از آثار او حدود ۱۴۰ کنسرتو برای ویلون، ۵۰ تریوی زهی و ۱۵۰ سونات برای ویلون و کلاسن باقی است. قطعه تریل شیطان از آثار معروف اوست.
10. Leonard. 11. Virtuoso.
12. Hanorer Square Concerts.
13. Johan Peter Salomon.
- یوهان پیتر سالومون (۱۷۴۵ - ۱۸۱۵) ویلونست آلمانی که تا آخر عمرش در لندن زندگی کرد.
14. Etude. 15. Caprice.
16. Grupetto. 17. Triller. 18. Agitato assai.
19. Mozart. 20. Sonata. 21. Joseph Hayden.
22. D. Du Bary. 23. Symfoni Concertant.
24. Spohr.
- لوردیگ اشپور (۱۷۸۴ - ۱۸۵۱) ویلونست آلمانی، رهبر و آهنگساز. ۱۷ کنسرتو برای ویلون نوشته است. ابداع چوب رهبری را به او نسبت می دهند.
25. Rode. 26. Bailote.